

تبیین فلسفی تبدیل ارض و تعامل حکمت اسلامی با متون دینی

غلامعلی مقدم^۱

چکیده

تفسیر آیات مربوط به مبدأ و معاد در قرآن کریم از ابعاد دشوار این منظومه معرفتی است. عده‌ای این آیات را ملحق به مشتبهات و مشابهات نموده و از سخن گفتن در این باره دوری جستند. اما از آنجا که قرآن کریم این آیات را با هدف تفاهم بیان کرده و روایات نیز در تبیین و توضیح آنها سخن گفته‌اند، بسیاری از دانشمندان اسلامی به قدر وسع خویش در توضیح و تبیین مقصود این آیات کوشیده‌اند.

یکی از این آیات، آیه شریفه تبدیل زمین به غیر زمین است که ناظر به فضای قیامت و تحولات پس از دنیا می‌باشد. عده‌ای از مفسران، آیه را ناظر به تحولات مادی و طبیعی دانسته و گروهی به تبیین وجودی و فلسفی آن اقدام کرده‌اند. در این مقاله با روشی تطبیقی - تحلیلی به مقایسه تفسیر طبیعی برخی مفسران و تبیین فلسفی حکمت متعالیه در این باره پرداخته و ضمن تجمیع مواضع آن دو، بیان شده که علی‌رغم استغراب و استبعاد رایج، تبیین حکمی مبتنی بر قواعد فهم متعارف قابل توجیه می‌باشد. به علاوه، این تفسیر و تبیین مانع عقلی و عرفی نداشته و با ظاهر آیات و روایات نیز هماهنگ است. همچنین تفسیر ظاهری را در خاستگاه خود پذیرفته و توفیق بیشتری در رفع اشکالات دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، تأویل، تفسیر، تبدیل ارض، فلسفه.

بازنمایی رویکردهای جریان‌های انحرافی به مفاهیم و آموزه‌های مهدوی با تأکید بر «تأویل و تطبیق»

عزالدین رضائزاد^۱، محمدعلی فلاح علی‌آبادی^۲

چکیده

آموزه موعود نجات‌بخش و جایگاه رفیع آن، باعث هرچه بیشتر شدن انگیزه فرقه‌ها در تأویل معارف مهدوی و ارائه برداشت‌های متناسب با محتوای جریان‌های انحرافی بوده است. فرقه‌ها با تأویل و تطبیق گزاره‌های مهدوی، در پی زمینه‌سازی اقناع اندیشه موعودباوران و بهره‌مندی از حمایت ایشان در بقای جریان فرقه بوده‌اند. این جستار با روش توصیفی-تحلیلی به بازشناسی رویکرد فرقه‌های انحرافی به آموزه مهدویت می‌پردازد. نتایج تحقیق گویای این مطلب است که این دست‌برد نه تنها در اصل آموزه مهدویت، بلکه در ویژگی‌ها و خصوصیات موعود نیز رخ داده است. تأویل در اصل مهدویت، در مواردی منجر به بروز مهدویت نوعی شده و در موارد دیگر، به نحوه تعدد مهدیان و یا حتی نفی امام مهدی با ظهور نایب ایشان نظر داشته است. ویژگی‌های قائم نیز در حیطه‌های مختلفی نظیر خصوصیات ظاهری، مکان‌های ظهور، مفهوم عدالت و غلبه قائم و حتی افراد و اشیاء همراه ایشان، در راستای ادعای مدعیان دروغین تأویل و تطبیق پذیرفته است.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی، تأویل، تطبیق، مفاهیم مهدوی، ویژگی‌های قائم.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) rezanejad39@yahoo.com

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم mfallah193@gmail.com

نحوه استناد: رضائزاد، عزالدین و فلاح علی‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷). «بازنمایی رویکردهای جریان‌های انحرافی به مفاهیم و آموزه‌های مهدوی با تأکید بر «تأویل و تطبیق»». حکمت/اسلامی، ۵ (۳)، ص ۳۳-۵۶.

تصادف داروینی و جهش ژنتیکی از نگاه فلسفه اسلامی

سید فخرالدین طباطبایی^۱

چکیده

بی‌گمان، نظریه تکامل داروین از نظریه‌های علمی‌ای است که توانسته تأثیر شگرفی در حوزه‌های گوناگون دانش بشری بگذارد و در رشته‌های مختلفی از قبیل فلسفه دین و الهیات به بحث پرداخته‌ای تبدیل شود. این نظریه از مؤلفه‌های گوناگونی شکل یافته که فهم نادرست آن، در بسیاری از موارد به جدال‌های بی‌پایان منتهی شده است؛ از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به «تصادف و شانس» اشاره کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای این واژه‌ها (تصادف و شانس) معانی گوناگونی همچون «پدیده بی‌علت، پدیده مجهول‌العله و پدیده برآمده از فاعل بی‌هدف» ارائه شده است و هر کس بر اساس یکی از این معانی به اظهار نظر پرداخته است. به‌علاوه اینکه مؤلفه تصادف از سوی زیست‌شناسانی چون «داوینز» بهانه‌ای برای انکار خداوند نیز قرار گرفته است.

در مقابل، فیلسوفان اسلامی بر اساس ارزیابی این سه معنا، تصادف زیستی به معنای دوم و سوم را ممکن دانسته و از نگاه فلسفی تبیین‌پذیر می‌دانند. اما بر این نکته پافشاری می‌کنند که پذیرش تصادف به این دو معنا هیچ‌گاه در مقابل خداواری نیست. بنابراین می‌توان به جهانی دو سطحی باور داشت که خداوند در طول آن قرار دارد و رویدادهای تصادفی در عرض آن در حال شدن هستند.

واژگان کلیدی: نظریه تکامل، چارلز داروین، ریچارد داوینز، تصادف، جهش ژنی، فلسفه اسلامی.

sft313@gmail.com

۱. دکتری تخصصی فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱

بررسی پیوند معرفت تصویری و تصدیقی با تأملی معنائشناسانه در قاعده «ما لا حد له، لا برهان له»

سیدمحمد انتظام^۱

چکیده

فیلسوفان مسلمان با استناد به قاعده «ما لا حد له لا برهان علیه» و «ما لا برهان علیه لا حد له» پیوند معرفت تصویری و تصدیقی انسان را نسبت به برخی موجودات نشان داده و امکان یا امتناع یکی از آن دو را دلیل بر امکان یا امتناع دیگری معرفی کرده‌اند. در این مقاله، نخست به اختصار از چیستی و اقسام حد و برهان سخن به میان آمده و سپس مفاد اصل و عکس این قاعده تشریح شده است. در ادامه، با توجه به ادله و مستندات قاعده، به این نتیجه دستیافته ایم که مفاد برخی از این ادله، تثبیت ملازمه کلی بین معرفت تصویری حاصل از حد وجودی و معرفت تصدیقی برگرفته از برهان لم مطلق است و برخی دیگر نیز - از جهت وجود و عدم - بر ملازمه بین دو نوع معرفت، دلالتی ندارند. مطابق مفاد دلیلی دیگر می‌توان ملازمه بین حد و برهان لم مطلق را به حد ماهوی نیز تعمیم داد و در مورد کلیت یا جزئیت گزاره‌های حاکی از ملازمه وجودی و عدمی بین دو نوع معرفت، قائل به تفصیل شد.

واژگان کلیدی: حد وجودی، حد ماهوی، برهان لم، برهان لم مطلق، مشارکت حد و برهان.

نقش برهان (علت تامه بالفعل) در ضرورت علی

مصطفی میرزایی^۱، داود حیدری^۲

چکیده

از اموری که نزد همه فلاسفه و عارفان و حتی بسیاری از متکلمان و فقیهان، به طور مسلّم و قطعی غیر قابل انکار می‌نماید، اصل محال بودن تخلف معلول از علت تامه است. در مقابل، برخی متکلمین و اهل تفکیک قائل به جواز تخلف شده‌اند. در این میان، برخی قائل به نقیض این اصل شده و تخلف معلول از علت تامه را نه تنها جایز، بلکه واجب دانسته و دلایل فلاسفه را نیز نقادی می‌نمایند. از دلایلی که ایشان نقادی نموده‌اند، دلیل «لزوم علت تامه بالفعل بودن علت» است. این نوشتار به بررسی نقادی‌های این گروه بر این برهان پرداخته و نقاط ضعف آنها را تبیین نموده است.

واژگان کلیدی: علت تامه، تخلف معلول، بالفعل، علت بالفعل.

mostafa5791@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

dheidari4@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

بررسی ادله و اشکالات ترکیب اتحادی ماده و صورت (با تأکید بر حکمت صدرایی)

سیدمحمد موسوی^۱، جواد پارسایی^۲

چکیده

یکی از مسائل مورد نزاع فلاسفه، کیفیت ترکیب ماده و صورت است. بدین نحو که مشهور حکمای مشائی ترکیب ماده و صورت را انضمامی دانسته‌اند، اما برخی همچون ملاصدرا - به تبع صدرالدین دشتکی - ترکیب ماده و صورت را اتحادی دانسته و برای اثبات دیدگاه خود، دلیل هم ذکر کرده‌اند. بررسی ادله ملاصدرا بر ترکیب اتحادی ماده و صورت نشان می‌دهد که این ادله قابل مناقشه است. اما ایشان بر اساس مبانی حکمت متعالیه، تقریر جدیدی از برهان قوه و فعل ارائه کرده‌اند که ترکیب اتحادی ماده و صورت را اثبات کند.

در این نوشتار، ابتدا به تحریر محل نزاع اشاره شده و تبیین می‌شود که محل نزاع، ترکیب ماده اولی و صورت به معنای مقوم شیء بوده و مراد از ترکیب نیز ترکیب حقیقی است. همچنین در این نوشتار برخی از اشکالاتی که مانع پذیرش ترکیب اتحادی ماده و صورت از سوی حکما شده نیز پاسخ داده شده و در نهایت هم بر اساس مبانی حکمت متعالیه، معنای دقیق و عمیق تری از ترکیب اتحادی ماده و صورت بیان شده است.

واژگان کلیدی: ماده، صورت، ترکیب اتحادی، ترکیب انضمامی، ملاصدرا.

hekmat130@gmail.com

ja.parsaee@gmail.com

۱. استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۲. دانشجو دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقرالعلوم 7

اولی و شایع قید محمول و حل شبهه وجود ذهنی

محمدهادی رحمانی^۱

چکیده

حمل اولی و حمل شایع از امور مهم و پر اهمیت در حکمت متعالیه و فلسفه صدرایی است؛ به حدی که جناب ملاصدرا برخی ابهامات و شبهات را از این طریق پاسخ داده‌اند. البته هر چند می‌توان این امر را در عبارات گذشتگان نیز پیدا کرد، ولی ایشان توانسته است این نکته و انواع حمل را تقریر و واضح نماید. اما مطلب قابل توجه اینکه ایشان فقط اولی و شایع را به عنوان قید موضوع و قید حمل لحاظ کرده‌اند؛ درحالی که اولی و شایع را می‌توان به‌عنوان قید برای محمول نیز قرار داد. بنابراین محمول به حمل اولی یعنی مفهوم محمول و محمول به حمل شایع یعنی حقیقت عینی و خارجی محمول.

مرحوم ملاصدرا و - به تبع ایشان - مرحوم علامه، شبهه معروف وجود ذهنی را نیز با حمل اولی و شایع به قید حمل پاسخ داده و معتقدند که اگر می‌گوییم وجود ذهنی کیف نفسانی است، مراد حمل شایع و اگر می‌گوییم وجود ذهنی از مقوله خارج است، مراد به حمل اولی است. لکن با نگاه دقیق آشکار می‌شود که آنچه شبهه را حل می‌کند، اولی است و شایع فقط قید محمول است. یعنی وجود ذهنی، با مفهوم مقوله خارج اتحاد داشته و همچنین با حقیقت عینی و خارجی کیف نفسانی نیز متحد است. بدین معنا که از مقوله کیف نفسانی بوده و با مفهوم جوهر متحد است. البته این اتحاد با مفهوم جوهر، از حیث مرآت بودن تصویر ذهنی با خارج است. یعنی مفهوم جوهر و مفهوم انسان از یک چیز که ماهیت انسان باشد حکایت می‌کند. و آلا مفاهیم باهم متفاوت هستند. برای تبیین مطلب، در پایان مقاله آمده است که احتمالاً مراد مرحوم ملاصدرا و علامه نیز همین بوده است. لکن تصور کرده‌اند این تفاوت به خاطر اولی و شایع به قید حمل است. درحالی که اولی و شایع به قید محمول پاسخ شبهه است.

واژگان کلیدی: حمل شایع، حمل اولی، وجود ذهنی، قید محمول.

علیت، معنا، ملاک، اقوال

محمد سربخشی^۱

چکیده

فلاسفه اغلب علیت را در امور وجودی جاری دانسته و به کارگیری آن در سایر موارد، از جمله امور عدمی را مجاز تلقی کرده‌اند. همچنین ایشان علت نامیدن علت اعدادی را مسامحه خوانده و عرفی دانسته‌اند. اما علیت حقیقتی نفس‌الامری و عام دارد؛ به نحوی که می‌توان آن را به خارجی و تحلیلی تقسیم کرده و بدون هیچ مجازی، در امور وجودی، عدمی و حتی در میان امور اعتباری جاری دانست.

اقوال مختلفی - از انکار علیت تا پذیرش آن نسبت به هر موجودی - در باب علیت موجود است. اما دیدگاه درست در میان موجودات، تنها نیازمندی موجودات محدود و ضعیف به علت است. در بحث ملاک نیازمندی به علت نیز، اگر علیت را منحصر در موجودات نماییم، ملاک همان محدودیت و ضعف وجودی است و اگر آن را عام در نظر بگیریم، باید امکان معنایی را ملاک نیازمندی به علت بدانیم. دیدگاه اخیر متعلق به جناب استاد فیاضی دام ظلّه العالی است.

واژگان کلیدی: علیت، ملاک علیت، معنا، حدوث، امکان ماهوی، امکان فقری، امکان معنایی.

msarbakshshi@gmail.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1

اراده آزاد؛ تقریر امروزی نظریه اختیار

محمد حسین زاده^۱

چکیده

در عصر حاضر، مباحثی که پیرامون مسأله اختیار صورت می‌گیرد، تحت عنوان اراده آزاد مطرح می‌شود؛ اینکه آیا اراده آزاد همان اختیار است که تا به حال در فلسفه سنتی مطرح شده و صرفاً لفظ آن تغییر کرده است و یا علاوه بر لفظ، در محتوای این بحث نیز تغییری حاصل شده است؟ در این مقاله پس از تبیین اصطلاح اختیار در فلسفه اسلامی، تطور تاریخی دو تقریر اصلی اختیار در این سنت فلسفی نیز تبیین شده و با تقریرهای اصلی اختیار در فلسفه معاصر غرب مقایسه شده است. نتیجه‌ای که از این مقایسه به دست آمده این است که اراده آزاد تقریری جدید از اختیار در دوران معاصر است که بر مبنای تفکیک فعل ارادی از فعل اختیاری صورت می‌گیرد و علاوه بر ارادی بودن فعل، اختیاری بودن اراده و مسئولیت‌پذیری انسان را نیز توجیه می‌کند. امروزه در سنت فلسفه اسلامی، تقریرهای ارائه شده از اختیار، به خاطر عدم توجه به عنصر مسئولیت‌پذیری، انتظار ما را برای استفاده از بحث اختیار در حکمت عملی برآورده نمی‌کند. از این رو لازم است با توجه به تقریر جدید اختیار (اراده آزاد)، مباحث مطرح شده پیرامون اختیار در فلسفه اسلامی بازنگری شده و بررسی شود که مسئولیت‌پذیری در این مباحث، چه توجیه مناسبی می‌تواند داشته باشد.

واژگان کلیدی: اختیار، اراده آزاد، مسئولیت‌پذیری، فلسفه اسلامی، فلسفه معاصر غرب.